

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عبدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی
• معاون سردبیر: مهرداد خدیو، دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست)
• الناز محمدی (جامعه)، آرش خاموشی (عکس)، هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)، شبنم رحمتی (معاون آنلاین)، مدبر هنری: مهدی قربانی تبار
• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی، مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری، تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵، تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱، گفین‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، ۸۸۷۳۵۲۰۸
• نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن، توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

انتقاد از پزشکيان وظيفه ماست



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

هرکسی که تعبیر «انتقاد سازنده» را ابداع کرد قائلانی بود که هم می‌خواست از توبه نوش جان کند، هم از آخور. هم می‌خواست ادای آزادگی و قلندری در بیاورد، هم می‌خواست محبوب قلب اهل قدرت باشد. انتقاد اگر رادیکال و بنیان‌کن نباشد بیشتر به شوخی شبیه است. رعایت انصاف و عدل و داد البته چیز دیگری است و ربطی به این تعبیر «مردردانه» ندارد. از آن طرف دشمنی و بی‌انصافی هم ربطی به انتقاد رادیکال ندارد. اصلاً در نقد آن هم به معنای حقیقی کلمه چیزی به نام غرض‌ورزی وجود ندارد. شما نقد می‌کنید برای آنکه رفتار غلطی را از ریشه بخشانید. آنکه مغرضانه می‌نویسد و می‌گوید، ایدئولوژی زده است و ایدئولوژی زده به تنها چیزی که نمی‌اندیشد و پروای آن را ندارد حقیقت است. این مقدمه مختصر را گفتم تا به اینجا برسم که نقد بی‌تعرف و رادیکال دولت آقای پزشک‌یان را باید بیش از هرکس دیگری خودمان جدی بگیریم. کاری که در دولت آقای روحانی انجام ندادیم. آن روزها بهانه اغلب ما این بود که دولت روحانی به اندازه کافی دشمن قسم‌خورده دارد و در چنین شرایطی فوت و مروت حکم می‌کند که ما شوخ پیش چشم او نباشیم و اگر نوشتن نمی‌توانیم شد دست‌کم نیشش نباشیم. اشتباه کردیم، شاید هم چاره‌ای نداشتیم. نمی‌دانم، اما این را می‌دانم که اگر نبود آن مصلحت‌اندیشی‌ها، محدودیت‌ها و معذوریت‌ها، شاید حوادث به گونه دیگری رقم می‌خورد و از بعضی فجایع جلوگیری می‌شد. هر چه بود، گذشت اما آن تجربه گران‌قیمت پیش روی ماست و اگر اهل عبرت باشیم، می‌توانیم از آن روزگاران درس‌های بی‌اموزیم. ما که آقای پزشک‌یان را نظر کرده خدا و پیغمبر نمی‌دانیم. هیچ بزرگی هم به خواب ما نیامد و رأی دادن به ایشان را به ما توصیه نکرد. می‌دانستیم به چه کسی رأی می‌دهیم و از بضاعت او چندان هم بی‌اطلاع نبودیم. خودش هم بنده خدا نه قول خاصی به کسی داد، نه وعده عجیب و غریبی. هیچ کدام از ما هم معتقد نیستیم با او مخالفت یا او مخالفت با امر مقدس است. اصلاً ما به او رأی داده‌ایم که بتوانیم نقدش کنیم. به او رأی داده‌ایم که اگر لازم شد رأی‌مان را پس بگیریم. آقا بالاسر انتخاب نکرده‌ایم. خادم ملت را انتخاب کرده‌ایم که کمترین وظیفه‌اش در قبال رأی که به او داده‌ایم پاسخگویی است. همه عیب و ایرادها به حاکمان بر نمی‌گردد. ما محکومان نیز به قدر خود خالی از عیب و ایراد نیستیم و شاید بزرگ‌ترین ایراد ما این باشد که مسئولیت انتخاب‌هایمان را به عهده نمی‌گیریم. در اولین بزنگاهی که بخت از دولت روحانی برگشت قریب به اتفاق آن ۲۴ میلیون فراموش کردند که روحانی انتخاب خود آن‌ها بوده. حتی روزنامه‌نگارها و روشنفکرانی که در خردادماه ۹۶ مردم را به رأی دادن تشویق می‌کردند ترجیح دادند خودشان را به کوه علی چپ بزنند و اصلاً به روی خودشان هم نیابند چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است. حالا هم اگر حواس‌مان را جمع نکنیم یک‌بار دیگر آن فجاج تکرار می‌شود. این سرزمین پُر از حوادث تکراری است و لبریز از مردمانی که از یک سوخ ۵۰۰ بار گزیده می‌شوند. با مخالفان آقای پزشک‌یان کاری ندارم. آن‌ها انتضای طبیعت‌شان گزیدند است و به تنها چیزی که فکر نمی‌کنند منافع ملی است. دیگی که برای آن‌ها نجوشد مهم نیست چه چیزی در آن بجوشد. حرجی بر آنان نیست اما کسانی که مدعی اند به آقای پزشک‌یان رأی داده‌اند تا چیزی به نام ایران کماکان وجود داشته باشد، باید همه حواس‌شان را جمع کنند تا چاپلوسان، بادمجان دورقاب چینان و کاشه‌لیسان، رأی مردم را به نفع منافع فردی و حزبی مصادره نکنند. باید مراقب باشند و یترین رسانه‌ای و فرهنگی دولت به دست مشت‌ی ماجراجوینفتند. باید از رأی خودشان پاسداری کنند. باید بدانند: شرط‌رها شدن خرد و عشق و همت است این چیزها که ساده مهیا نمی‌شود باید بدانند هیچ فعالیت سیاسی و دگرگونی اساسی صرفاً با رأی دادن به دست نمی‌آید. اندکی غفلت می‌تواند یک بار دیگر ما را به دوران هاله نور، معجزه هزاره سوم و یک جهان توهم برگرداند. خطر همیشه در کمین است.



شروع بدی بود فرانسه عزیز

حواشی افتتاحیه المپیک، انتقادات و خشم مسیحیان را در پی داشت

است که توسط چرخه خبری ۲۴ ساعته و رسانه‌های اجتماعی به جریان افتاده است.

مراسم چشمگیر و حدوداً چهار ساعته افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس با کارگردانی هنری توماس جولی، کارگردان ۴۲ ساله فرانسوی تئاتر برگزار شد. توماس جولی، بازیگر فرانسوی در سال ۲۰۰۶ شرکت تئاتری را به نام لا پیکولا فامیلیا را در رون تاسیس کرد و سمت کارگردان هنری را در آن شرکت داشت. در سپتامبر ۲۰۲۲، جولی به‌عنوان مدیر هنری مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۴ پاریس انتخاب شد. به گفته تونی استنگونه، مدیر برگزاری بازی‌های المپیک پاریس: «توماس جولی یک انتخاب جسورانه و مطالبی دیدگاه ما بود». توماس جولی یک صحنه‌پرداز هنری را برای این مراسم که در خارج از استادیوم ارائه داد که حول مجموعه‌ای از ۱۲ تابلو که شامل و نماینده فرانسه باشد، طراحی شده بود و اعلام کرد: «بیش از همه، من می‌خواهم این مراسم شامل همه باشد. همه ما باید این نوع را جشن بگیریم.»

توماس جولی، مدیر هنری پشت مراسم افتتاحیه پرزرق و برق افتتاحیه المپیک در پی انتقاداتی که از او شد، گفت که براندازی مذهبی هرگز قصد او نبوده است. ما می‌خواستیم در مورد تنوع صحبت کنیم. تنوع یعنی با هم بودن. ما می‌خواستیم همه را به همین سادگی شامل کنیم.

او در پاسخ به سوالی درباره منتقدان به خبرنگاران گفت: «در فرانسه مردم آزادند هر طور که می‌خواهند و دوست داشته باشند؛ آزادند هر کس را که می‌خواهند دوست داشته باشند، آزادند باور کنند یا باور نکنند.» جولی همچنین به شبکه‌ی خبری گفته است که این کار اجرا شده هیچ ربطی به تابلوی نمادین رنسانس ندارد که آخرین شام مسیح ۱۲ حواری را به تصویر می‌کشد که او به حواریون می‌گوید که یکی از آنها به او خیانت خواهد کرد. او توضیح می‌دهد: «این موضوع الهام‌بخش من نیست و به‌نظرم باید کاملاً واضح باشد. دینوسوس حضور دارد. چرا او آنجاست؟ اول از همه به این دلیل که او خدای جشن در اساطیر یونانی است و این اثر به بزم و شادی فرا می‌خواند.»

او ادامه داد: «او همچنین خدای شراب است که یکی از جواهرات فرانسه نیز هست و پدر سکوانا، الهه رودخانه سن است. ایده این بود که یک جشن بزرگ غیرمسیحی را به تصویر بکشیم که به خدایان المپ و در نتیجه المپیک مرتبط است.»

برخی از تماشاگران، که عمیق‌تر به ار جاعات فرهنگی بی‌شمار در نمایش پرداخته‌اند، اظهار کردند که این تابلو در واقع از «ضیافت خدایان»، اثر استاد رنسانس ایتالیایی جوانی بلینی الهام گرفته شده است. این صحنه رنگارنگ با حضور نیکی دال و ستاره‌های درگ ریس فرانسه، در میان ۱۲ تابلویی بود که روح فرانسوی را در مراسم افتتاحیه بازی‌های المپیک مجلل جولی در عصر جمعه به تصویر می‌کشید.

تعدادی از چهره‌های سرشناس در داخل و خارج از فرانسه به اشتباه گفته‌اند که این صحنه از شام آخر الهام گرفته شده است.

نقشه‌ای که نقش بر آب شد

مراسم افتتاحیه المپیک پاریس در بیرون یک استادیوم در یکی از زیباترین مکان‌های جهان، رود سن برگزار شد. ورزشکاران سوار قایق رژه رفتند و پرچم‌ها را به اهتزاز در آوردند. این همان افتتاحیه‌ای بود که فرانسوی‌ها قبلاً وعده داده بودند تا در دنیایی خسته‌کننده و مملو از محتوای تکراری چیزی جدیدی را برای دیدن مخاطب عرضه کنند.

اما همه چیز هم دست فرانسوی‌ها نبود تا این مراسم را به در یاد ماندنی‌ترین کنند. طبیعت کار را خراب کرد و در روز افتتاحیه باران بدی شروع به باریدن گرفت و برنامه‌های آن‌ها را کمی به هم ریخت و بعد از آن هم انتقاداتی از گوشه و کنار جهان برای بازآفرینی جولی آنچه فرانسوی‌ها می‌خواستند از المپیک به‌جا بگذارند نقش بر آب کرد.



نمونه‌ای از جنگ‌های فرهنگی قرن بیست‌ویکم

برخی از مفسران گفتند که این مناقشه نمونه دیگری از جنگ‌های فرهنگی قرن بیست و یکمی

چهره

درگذشت آموزگار و مترجم برجسته

محمدتقی غیائی سال ۱۳۱۱ در خُمام گیلان زاده شد و تحصیلات ابتدایی را در خمام و متوسطه را در شهر رشت و تحصیلات دانشگاهی را در رشته زبان و ادبیات فرانسه را در دانشسرای عالی تهران گذراند. او که در ۳۰ سالگی با بورس تحصیلی وزارت فرهنگ دولت ایران به پاریس رفت، موفق به اخذ دکترای ادبیات فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس شد. غیائی پس از بازگشت به ایران تا هنگام بازنشستگی با سمت استاد تمامی در دانشگاه تهران و چندین سال نیز در دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات به تدریس زبان و ادبیات فرانسه اشتغال داشت. غیائی جز فرهنگ‌های فرانسه - فارسی و کتاب‌های کمک‌درسی که در آموزش زبان فرانسه منتشر کرده است، ترجمه‌های پرشماری نیز از آثار ادبی نویسندگان فرانسه در کارنامه پر بار خود دارد. این آموزگار و مترجم برجسته روز یکشنبه، هفتم مردادماه در فرانسه درگذشت. صفحه اینستاگرام فرهنگ نشر ضمن اعلام این خبر نوشت: «خدایان

تشنه‌اند! اثر آنتوان فرانس، «سهم سگان شکاری»

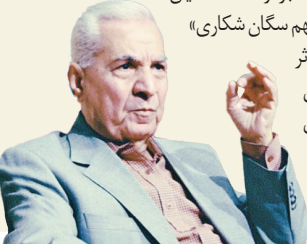
اثر امیل زولا، «دلهره هستی» اثر

آلبر کامو، «هفته مقدس» اثر لویی

آراگون و «نقد تکنوبنی» اثر لوئیس

گلدمن از جمله ترجمه‌های

اوست.



کتابخانه

شاهکار ادبیات فرانسه

کتاب «سفر به انتهای شب»، اثر لویی فردینان سلین، یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبیات فرانسه است. هنگامی که سلین، دست‌نویس رمان «سفر به انتهای شب» را برای چاپ فرستاد، ناشرش او را همتای شکسپیر و دانتسه خواند و این رمان پس از تکمیل سروصدا و فروش بسیار زیادی کرد. تاحدی که پس از انتشار این کتاب، نویسندگان زیادی چون هنری میلر، سلین را ستودند و او را همپای بزرگانی چون جویس، پروست، فاکتور و کافکا دانستند. جلال آل احمد در مورد تأثیرپذیری خود از سلین گفته است:



سفر به انتهای شب
نویسنده:

لویی فردینان سلین

مترجم:

پیمان خاکسار

انتشارات: چشمه

دارد به اسم «سفر به آخر شب»، این کتاب به نظر من شاهکار ادبیات فرانسه است. این کتاب پیش‌تر با ترجمه فرهاد غیرایی منتشر شده بود. کتاب «سفر به انتهای شب» نوشته لویی فردینان سلین، با ترجمه پیمان خاکسار در ۵۴۵ صفحه و با قیمت ۴۸۰ هزار تومان توسط انتشارات چشمه منتشر شده است.

تاریخ

اعلام پرچم رسمی جمهوری اسلامی ایران



۹ مردادماه ۱۳۵۹، از طرف دولت وقت، مشخصات فنی و ظاهری پرچم رسمی کشور اعلام شد. این طرح در نیمه تیرماه سال ۱۳۵۹ از تصویب شورای انقلاب و رئیس‌جمهور گذشته بود و پرچم کشور را در

رنگ‌های سبز در بالا، سفید در وسط و سرخ در پایین همراه با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر مشخص کرده بود. علامت مخصوص جمهوری اسلامی به رنگ سرخ در وسط پرچم قرار می‌گیرد. همچنین شعار الله اکبر به رنگ سفید و با خط کوفی بَنایی به نشانه روز پیروزی انقلاب، بیست و دو بار به‌صورت حاشیه در مرز رنگ سبز و سفید و نیز مرز سرخ و سفید تکرار می‌شود. این طرح بیان‌کننده محتوای حکومت اسلامی به‌شمار می‌رفت و نقش کلمه الله در آن اشاره‌ای به آغاز و پایان آفرینش داشت. در پرچم جمهوری اسلامی ایران، رنگ سبز به‌عنوان نشانه مذهب شیعه، رنگ سفید به نشانه صلح دوستی و آرامش طلبی ملت ایران و رنگ قرمز به نشانه آمادگی ملت برای دفاع از استقلال و آزادی به قیمت ریخته‌شدن خون فرزندان این مرز و بوم تفسیر شده است.